



دیپلماسی زلزله و زلزله دیپلماتیک

ایران در سالهای گذشته بواسطه مقابله با پیامدهای اشغال گری و مبارزه با داعش بیش از دهه های پیش از آن، به همسایگان غربی پرداخته است. اکنون زلزله ۳۴۷۷ ریشتری در حلبچه که نواحی گسترده ای از ایران را نیز به لرزه درآورد، گونه دیگری از به هم پیوستگی را میان ایران و عراق و فراسوی آن نشان می دهد.

زلزله اخیر در ایران و عراق، حاصل برخورد دو صفحه تکتونیک عربی و اوراسیا بود. هیچ واقعیت دیگری مانند این ویژگی زمین شناختی نمی تواند به هم پیوستگی متقابل ایران و همسایگان غربی اش را به نمایش بگذارد. ایران در سالهای گذشته بواسطه مقابله با پیامدهای اشغال گری و مبارزه با داعش بیش از دهه های پیش از آن، به همسایگان غربی پرداخته است. اکنون زلزله ۳/۷ ریشتری در حلبچه که نواحی گسترده ای از ایران را نیز به لرزه درآورد، گونه دیگری از به هم پیوستگی را میان ایران و عراق و فراسوی آن نشان می دهد. تنها با کمی دید فراخ تر، برخورد صفحات زمین شناختی و عواقب ویران گر آن فرصتی برای ابراز همدلی و انسان دوستی فراتر از ترتیبات امنیتی و سیاسی فراهم کرده که می تواند واجد نتایج سیاسی نیز باشد. یکی از ابعاد فرصت گونه زلزله اخیر، به حرکت انداختن دیپلماسی زلزله میان ایران و کشورهای دوست است که تا امروز مورد بی توجهی قرار گرفته است. از میان کشورهای که به ایران پیشنهاد کمک داده اند، ترکیه و اتحادیه اروپا می باید از جایگاه منحصر به فردی در تقویت روابط انسانی با ایران برخوردار باشند. پذیرش چنین کمک هایی حتی اگر ایران نیازی به مساعدت ها نداشته باشد نیز در تحکیم مناسبات عاطفی و بازکردن پنجره ای جدید به روابط ایران و این کشورها مفید است.

تصور پیشی گرفتن تاثیرات کمک های انسان دوستانه بر ملاحظات امنیتی و ژئوپولیتیکی کاملاً خوش بینانه است؛ با این وجود اینگونه خیراندیشی ها، کمک شایانی به جان دادن دوباره به همدلی و یادآوری این حقیقت می کند که چگونه ملت ها به رغم همه تفاوت های فرهنگی و سیاسی، همچنان در بهره مندی از سرشت و عواطف انسانی به یکدیگر شبیه اند. این تنها اثر سازنده در پیوندهای نوع دوستانه در هنگام بلایای طبیعی نیست. ناظران خلاق تر در امور بین المللی با این پرسش مواجه اند که آیا همکاری های بین المللی در این مواقع می تواند بر اصلاح نگرش ها و سیاست ها موثر باشد؟ درس های تاریخی در این رابطه آموزنده اند.

در آگوست ۱۹۹۹ زلزله به قدرت ۶/۷ ریشتر شهر گولجوک در استان قوجاایلی در ناحیه دریای مرمره در ترکیه را به لرزه درآورد. این زمین لرزه قدرتمند بیش از ۱۷ هزار نفر تلفات در پی داشت. از میان ده ها کشور و سازمان غیردولتی که پیشنهاد کمک به ترکیه را دادند، اعلام آمادگی یونان (که تا پیش از آن در خصومت و رقابت سرسختانه ای با آنکارا قرار داشت) توجهات را در سراسر جهان برانگیخت. وزارت امور خارجه یونان در سه شهر آتن، تسالونیک و کموتینی،

ایستگاه‌هایی را برای جمع‌آوری اعانه‌های مردمی برپا کرد و ده‌ها تن مواد غذایی و ملزومات اولیه را به نواحی زلزله‌زده سرازیر کرد. این اقدام انسانی در یونان استقبال گسترده‌ای در رسانه‌ها و افکار عمومی ترکیه را به دنبال داشت. تنها یک ماه بعد زلزله‌ای به قدرت ۹/۵ ریشتر این بار آتن را به لرزه انداخت. در این زمان ترکیه که در صدد جبران برآمده بود، علاوه بر ارسال چندین تیم نجات، وزارت امور خارجه و نیروهای مسلح خود را به منظور کمک به زلزله‌زدگان در یونان به کار گرفت. شور و هیجانی که از مهارت تفکیک کردن امور سیاسی از امور انسان‌دوستانه نشات می‌گرفت، چنان به اوج رسید که نیکلاس برنز سفیر وقت ایالات متحده در یونان به نیویورک تایمز گفت: ما درمیانه پدیده جدیدی هستیم که می‌توانید آن را دیپلماسی زلزله بنامید. این ابتکار عمل‌های انسانی بسرعت پیامدهای سیاسی خود را نشان داد. همان سال در نشست وزاری خارجه اتحادیه اروپا در فنلاند، یونان اعلام کرد که مخالفت خود را با عضویت ترکیه در اتحادیه کنار گذاشته است.

در نمونه دیگر و در تاریخ ۲۶ دسامبر ۲۰۰۴ زلزله به بزرگی ۱/۹ ریشتر در بستر اقیانوس هند یکی از بزرگترین سونامی‌های ثبت‌شده در تاریخ را ایجاد کرد که بیش از ۱۲ کشور ساحلی را تحت تاثیر قرار داد. شمار کشته‌شدگان در این حادثه بیش از ۲۳۰ هزار نفر در چهارده کشور برآورد شده است. گستره فاجعه بقدری بود که هر کدام از کشورهای متاثر، ناگزیر از پذیرش اعانات بین‌المللی بودند. میانمار درهای خود را به کمک‌های خارجی گشود. سومالی منازعات داخلی خود را کاهش داد و ایالات متحده یکی از مهمترین عملیات ارتش را به منظور ارسال کمک‌های خارجی هدایت کرد. بعدها این عملیات به عنوان یکی از نمادهای قدرت نرم آمریکا مورد بهره‌برداری قرار گرفت. هند به رغم آنکه از این واقعه آسیب دید اما به منزل یکی از مهمترین کمک‌کنندگان خارجی به کشورهای ساحلی اقیانوس، مناسبات بهتری را با سریلانکا که از کمک‌های هند بهره‌مند شده بود، بازساخت. گشودن درهای اندونزی به کمک‌های خارجی، مناسبات این کشور با ایالات متحده و استرالیا را بهبود داد. این سونامی، همدلی و تجدید هویت مشترک جغرافیایی در میان کشورهای ساحلی اقیانوس هند را که تا پیش از آن مورد بی‌اعتنایی بود، برانگیخت. قرار گرفتن در معرض این مصیبت مشترک، دولت‌های همدرد را به تبادل اطلاعات و همکاری پیرامون سازوکارهای مدیریت بحران‌های مشابه سوق داد که تا امروز نیز ادامه دارد.

با وجود شواهد فوق در این نتیجه‌گیری باید بسیار احتیاط کرد که همکاری بین‌المللی برای مقابله با بلایای طبیعی می‌تواند همکاری دولت‌ها را در سایر حوزه‌ها تشویق کند. بسیار بعید است که کشورها صرفاً به دلیل جبران الطاف انسان دوستانه، ملاحظات امنیتی و ژئوپولیتیکی را نادیده بگیرند و کاملاً روشن است که کشورهای کمک‌کننده هم چنین انتظاری ندارند. با این حال، کمک‌های نوع دوستانه دریچه‌ای تازه به پتانسیل روابطی است که می‌تواند از خصلت سوظن‌های امنیتی دور شود و زمینه‌هایی که ملت‌ها می‌توانند یکدیگر را با زبان مشترک و غیرسیاسی درک کنند، هموار کند. کشورهای کمک‌کننده نه تنها از به نمایش گذاشتن قدرت نرم خود خرسند می‌شوند بلکه احتمالاً آنها را در جامعه بین‌المللی به عنوان نشانه‌ای از پرستیژ خود معرفی می‌کنند. در واقع این امتیازی است که کشور کمک‌گیرنده به دولت کمک‌دهنده اعطا می‌کند و از این طریق نشان می‌دهد که با افزایش قدرت نرم سایر کشورها مخالفتی ندارد.

بسیار بعید است که کشورها صرفاً به دلیل جبران الطاف انسان دوستانه، ملاحظات امنیتی و ژئوپولیتیکی را نادیده بگیرند

و کاملاً روشن است که کشورهای کمک‌کننده هم‌چنین انتظاری ندارند.

در دنیایی که خودخواهی دولت‌ها بنیان روابط میان آنها را تشکیل می‌دهد و همکاری را به سرحد اعلاّی دشواری می‌رساند، نشان دادن حدی از دیگرخواهی، به کاهش لجاجت و ارتقای عزت نفس دولت‌ها و ملت‌ها می‌انجامد. کشورهای که به دیگران اجازه می‌دهند با اقداماتی مانند کمک‌های نوع‌دوستانه از این احساس عزت نفس برخوردار شوند، بطور ضمنی و طی یک اثرگذاری روانشناختی آنها را وام‌دار خود می‌سازند؛ وام‌هایی که اغلب بصورت گشایش و عمل متقابل جبران می‌شود. از این گذشته، کشور کمک‌گیرنده به ویژه زمانی که می‌تواند اعانه‌دهندگان را گزینش کند، پیامی را مبنی بر اولویت روابط بین‌المللی خود به جهان مخابره می‌کند. در سوی دیگر، ارسال پیام مشابه از سوی کشور کمک‌دهنده نیز با یک انگیزه متقابل تحریک می‌شود.

در وجه اخلاقی، باید اجازه بدهیم که ملت‌ها در بلایایی که هر کدام شاید روزی گرفتار شوند، یکدیگر را آزمایش کنند و به این ترتیب استعداد کنار گذاشتن اختلافاتشان را در ازای تقویت مشترکاتشان بیابند.

جمهوری اسلامی ایران احتمالاً بدون یاری سایر دولت‌ها قادر است که وضعیت معیشت شهروندان را در کرمانشاه به حالت عادی بازگرداند و نیازهای ضروری آنها را به نحوی کم و بیش برآورده کند اما این توانایی نباید موجب نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و فرصت‌هایی شود که می‌تواند به بهانه یک جابه‌جایی زمین‌شناختی، در بهبود روابط ایران با اروپا و از آن مهمتر با همسایگانی تاثیرگذار باشد که مایلند حسن نیت خود را به ایران نشان دهند و چه بسا تصویر مطلوب‌تری از خود در جامعه بین‌المللی بسازند. در وجه اخلاقی، باید اجازه بدهیم که ملت‌ها در بلایایی که هر کدام شاید روزی گرفتار شوند، یکدیگر را آزمایش کنند و به این ترتیب استعداد کنار گذاشتن اختلافاتشان را در ازای تقویت مشترکاتشان بیابند. در وجه سیاسی، می‌توانیم از طریق موافقت با پیشنهاد کمک کشورهای دوست یا دست‌کم کشورهای که روابط خصمانه با ایران ندارند، به آنها حیثیتی ببخشیم که کمترین هزینه‌ای برای ما به دنبال ندارد. در آینده این دینی خواهد بود که در یک حادثه طبیعی یا سیاسی جبران خواهد شد. زلزله‌های دیپلماتیک با قدرت برهم زدن ترتیبات سیاسی گاهی از دل زلزله‌هایی بیرون می‌آیند که با دیپلماسی آمیخته شده‌اند.